

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1385/09/26

بلي اگر آقاي سبحاني عنوان را اين گونه مي آورد:

اسماء اعلام الصحابه و التابعين القائلين بالمسح و الناقلين المسح

اگر اين گونه بود، بايد 250 تا راوي را مي آورد نه 25 تا را؛ چون تمام اين ها که قبل از اين ها بوده اند، ناقل وضوي مسحي بوده اند. خود ابن كثير هم ناقل است، خود شوکاني و ابن تيميه هم ناقل هستند؛ پس بايد اسم آن ها را هم ذکر مي کرديم.

در شماره 7 از عبد الله بن زيد مازني مي گويد که ايشان قائل به مسح است؛ و حال آن که عبد الله بن زيد مازني وضوي پيغمبر را نقل مي کند و خودش هيچ اظهار نظري ندارد. همچنين شماره 10 عباد بن تميم، شماره 12 اوس بن أبي اوس، شماره 15 رفاعه بن رافع، شماره 21 جبير نفير، شماره 23 تميم بن زيد مازني، شماره 24 عطاء قداحي و... ناقل وضوي پيامبر هستند؛ و حال اين که اين 7 نفر هيچ نظريه اي ندارند، فقط وضوي رسول خدا را نقل کرده اند.

ما الآن با يك سري افراي مواجه هستيم که روي تک تک حرف هاي ما حساب باز مي کنند. جملاتي که ما به کار مي بريم، روي تک تک آن جمله ها زره بين مي گذارند...

آن چه که می شود واقعاً رویش حساب کرد، چند مورد است که ایشان هم آورده و این ها را من یک بررسی جزئی می کنیم و نسبت به بعضی از موارد که ایشان توثیقی نقل کرده است که این توثیقات با مبنای خود ایشان هم نمی خواند و زینده بود که ایشان نسبت به بعضی از افراد مثل عکرمه که خیلی قاطعانه و بدون هیچ نقدي توثیق کرده، این توثیق را حد اقل یک تبصره ای و یک اشاره ای نسبت به سوابق سیاه عکرمه می کردند.

ایشان اولین کسی را که معتقد به وضوی مسیحی است، آقا امیر المؤمنین (علیه السلام) نام برده است که روایات متعدد حدود هفت - هشت مورد داریم از صحابه و تابعین که نقل می کنند آقا امیر المؤمنین (علیه السلام) قائل به وضوی مسیحی بوده اند و همواره در وضو گرفتن پای خودشان را مسح می کردند. ما آن روایات را خواندیم و تعدادی از آن ها هم از نظر سندی صحیح بود.

نفر دوم که ایشان آورده اند، آقا امام باقر (علیه السلام) است و البته ایشان که این امام را به عنوان قائل به وضوی مسیحی آورده است، شاید به ذهن افراد تداعی کند که اگر بنا است که ما از ائمه علیهم السلام افرادی را که قائل به وضوی مسیحی هست، بیاوریم، باید همه ائمه را بیاوریم؛ چون همه آن ها قائل به وضوی مسیحی بوده اند. ائمه ما خود عامل و آمر به وضوی مسیحی بوده اند. این که ایشان از میان ائمه علیهم السلام آقا امام باقر (علیه السلام) را انتخاب کرده است، به این دلیل است که آن چه در تفسیر طبری، تفسیر ابن کثیر، نقل شده است وضوی مسیحی، آقا امام باقر (علیه السلام) است از دیگر ائمه در کتاب های آن ها نقل نشده است. من هم هر چه گشتم در منابع اهل سنت پیدا نکردم.

اهل سنت همه ائمه را به عنوان يك راوي قبول دارند. ذهبي تندترین آخوند اهل سنت است؛ ولي نسبت به تك تك ائمه عبارت هاي خيلي بالايي نقل کرده است و حتي مي گويد: تنها کسي که لايق به خلافت بود، در زمان منصور امام صادق (عليه السلام) بود، در زمان مأمون امام کاظم و امام رضا (عليهما السلام) بود.

نکته ديگر در روايتي که حاج آقاي سبحاني در روايت امام باقر هست، مسأله اين که اين ها عمل به وضوي مسحي کرده اند نيست، امري هست از امام باقر (عليه السلام) که به آن راوي مي گويد: وقتي خواستي وضو بگيري، امسح علي رأسك و رجليك. اين تعبيري است که در روايت آمده است؛ يعني امر به وضوي مسحي است نه عمل به آن. مال امام علي (عليه السلام) عمل است؛ اما در رابطه با امام باقر (عليه السلام) امر است نه عمل. امر اعم از عمل است. عمل فراتر از امر معصوم است؛ چون بحث است که آیا امر دال بر وجوب است يا نه؟ آیا امر ارشادي است يا مولوي، اين امر موافقة للعامة صادر شده يا نه؟ در امر حرف خيلي زياد است؛ ولي در عمل نه. وقتي عملي از معصوم صادر شد؛ يعين جاز القنطره. ما عمل تقيه اي از معصوم يا نداريم يا به قدري نادر هست که قابل توجه نيست.

اين روايت امام باقر (عليه السلام) در سه چهار جا از کتاب هاي اهل سنت آمده است که آقاي سبحاني فقط از تاريخ طبري نقل کرده است. خود تفسير ابن کثير هم که خيلي متعصب هست که از ائمه اهل بيت (عليهم السلام) روايت نقل نکند، اين روايت را آورده است.

بحث ديگري که هيچ شك و شبهه اي در آن نيست، بحث وضوي عثمان است که دو تا روايت ايشان نقل کردند و هر دو روايت هم سنداً اشکالي ندارد؛ ولي بحث بر سر اين است که وضوي عثمان متناقض هست با وضوي ديگري از خود عثمان نقل شده است. عثمان هر دو وضو را به پيغمبر نسبت مي دهد.

در رابطه با ابن عباس است که ایشان تحت شماره 11 آورده است و در دو تا روایت 13 و 16 اشاره کرده است که البته روایات ابن عباس بیش از این ها است. همه مفسرین؛ حتی ابن کثیر و ابن تیمیه، شوکانی و... نقل کرده اند که ابن عباس قائل به وضوی مسحی بوده است و می گفته است:

### الوضوء غسلتان و مسحتان.

این عبارتی است که به تواتر از ابن عباس نقل شده است.

تنها جایی که اهل سنت می گویند نیازی به بررسی سندی ندارد، ورود يك روایت در صحیح مسلم و بخاری است. اگر يك روایتی در این دو کتاب آمد، می گویند بی نیاز از بررسی سندی است؛ اما این که اگر رجال يك روایت، رجال مسلم و بخاری باشد بپذیرند یا نه، در میان علمای اهل سنت اختلاف است. غالباً حتی خود وهابی ها بر این عقیده اند. خود البانی که از شخصیت های برجسته رجالی اهل سنت و وهابی ها است که از او تعبیر می کنند به بخاری دوران، بن باز از او تعبیر می کرد به امام الحدیث، ایشان در کتاب موسوعة الاحادیث الصحیحه مواردی را استدلال می کند بر صحت يك روایت به این دلیل که رجاله رجال صحیح بخاری یا مسلم؛ ولی این را همه اهل سنت قبول ندارند، همه وهابی ها قبول ندارند.

یکی از بحث های که ما ضرورت دارد روی آن کار کرده باشیم، همین است که اگر ما دیدیم در سند يك روایت يك یا دو راوی است که توثیقی از اهل سنت ندارند، ولی این راوی در اسانید صحیح بخاری یا مسلم آمده است، آیا ما می توانیم به مجرد وقوع يك راوی در سند بخاری و یا مسلم استدلال بر وثافتش بکنیم یا نمی توانیم.

مقدمه کتاب المعجم الكبير طبراني را مطالعه کنید. در آن جا حدود سي - چهل صفحه بحث رجالي خيلي زياباي کرده است که ضرورت دارد دوستان آن بحث را ببينند. يعني آمده اصلا بحث هاي رجالي اهل سنت را به نقد کشيده است که مثلاً فلان آقا استدلال کرده است بر وثاقت صحت روايت، اين درست نيست، مبناي اهل سنت اين است.

و همچنين غماري کتابي دارد به نام «فتح الملك العلي في صحة حديث انا مدينة العم و بابها علي» که کتاب خيلي زيبا و خواندني است که هفتاد درصد آن بحث قواعد رجالي است. آقا زادة علامه اميني اين کتاب را تحقيق کرده است و خود علامه اميني رحمت الله عليه هم يك مقدمه مشتبي بر اين کتاب زده است. اين کتاب نکات ظريف رجالي دارد که من معتقدم اين کتاب را نه يك بار هفت - هشت بار بخوانند که هر بار يك نکته رجالي براي شان روشن مي شود. معلوم مي شود که نويسنده آدم ملا و خريط فن است. در ميان خود اهل سنت هم ما اين طور افراد کم داريم.

راوي بعدي که قائل بر مسح است، آقاي شعبي است که قبلاً هم ما در رابطه با ايشان مفصل بحث کرده ايم. از کساني است که صاحب مبناي فقهي بوده است و تا قرن پنجم و ششم مبناي فقهي او در ميان مردم رواج داشته است که از او تعبير مي کنند به امام الحافظ. ايشان همواره در موقع وضو گرفتن مسح مي کشيده است و روايتي که خلاف آن را ثابت کند از شعبي نقل نشده است. البته ما شعبي را قبول نداريم و او را جزء منافقين و جزء کساني مي دانيم که با اميرالمؤمنين (عليه السلام) مخالفت داشته است. انشاء الله سر فرصت در باره آن بحث خواهيم کرد.

باز جاي آن بوده است که آقاي سبحاني اين موضع گيري هاي نادرستي که شعبي در برابر امير المؤمنين داشته است، بر ملا مي کردند؛ البته ما از باب قاعده الزام اهل سنت مي توانيم متقاعد کنيم؛ چون اهل سنت اکثراً شعبي را قبول دارند.

درباره شعبي يك كتابي آقا زاده آقاي طبسي نوشته به نام اولين يار پيامبر در رابطه با اولين كسي كه اسلام آورده است كه الحق اين كتاب از سطح سه حوزه مطالبش خيلي بالاتر است. در اين كتاب در رابطه با شعبي يك تحقيق گسترده دارد.

البته اگر همين سير اعلام النبلاء را ببينيد، در کنار مدح ها مذمت هايش هم آمده است.